

## تحلیل صلاحیت دادگاه کیفری یک و چالش‌های پیرامون آن

احمد رضا امتحانی<sup>۱</sup>، علی پایدار فرد<sup>۲</sup>، جواد نادری عوج بغزی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد دانشگاه مفید، قم، ایران.

<sup>۳</sup> دانش‌آموخته سطوح عالی حوزه علمیه قم - دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مفید، قم، ایران.

### چکیده

امروزه، یکی از مباحث مهم در قانون آیین دادرسی کیفری، مسأله صلاحیت مراجع قضایی است. به این صورت که وقتی جرمی اتفاق می‌افتد باید مشخص شود از میان دادگاه‌های موجود کدام یک صلاحیت رسیدگی به آن جرم را دارد. صلاحیت، یعنی توانایی و شایستگی یک مرجع برای رسیدگی به آن موضوع؛ به همین دلیل است که قاضی در هنگام مراجعه به پرونده، اولین کاری که بایستی انجام دهد این است که صلاحیت و شایستگی ذاتی، محلی و شخصی خود را جهت بررسی، نسبت به موضوع، احراز کند؛ چرا که اگر صلاحیت رسیدگی به آن را نداشته باشد اقدامات انجام شده نسبت به آن پرونده حتی اگر هم درست باشد باز هم از موارد نقض حکم از مراجع بالاتر محسوب می‌شود. از جمله دادگاه‌هایی که در قانون آیین دادرسی کیفری براساس نوع جرم و مجازات و شخصیت افراد صلاحیت رسیدگی دارند عبارت‌اند از: دادگاه کیفری یک، دادگاه کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی، دادگاه اطفال و نوجوانان. اگرچه دادگاه بخش و دادگاه ویژه روحانیت نیز در میان دادگاه‌های کیفری وجود دارد اما اینکه چرا قانون‌گذار آنها را در ماده ۲۹۴ بیان نکرده، شاید به این دلیل است که دادگاه بخش علاوه بر مسائل کیفری به مسائل حقوقی هم رسیدگی می‌کند و دادگاه ویژه روحانیت به موجب آیین‌نامه تشکیل شده است.

**واژه‌های کلیدی:** صلاحیت ذاتی، دادگاه کیفری یک، تعدد معنوی، قانون آیین دادرسی کیفری.

## ۱. مقدمه

یکی از انواع دادگاه‌های کیفری، دادگاه کیفری یک می باشد که به آن دادگاه کیفری استان نیز گفته می شود. دادگاه کیفری یک از مراجع عمومی نخستین می باشد که به دلیل اهمیت جرایمی که در آن رسیدگی می شود دارای ویژگی های خاصی می باشد از جمله تقسیم تعدد قاضی و تشکیل جلسه مقدماتی این دادگاه از چنان اهمیتی برخوردار است که حتماً متهم باید دارای وکیل باشد و اگر متهم تمکن مالی برای گرفتن وکیل نداشته باشد برای وی وکیل تسخیری گرفته می شود. موارد صلاحیت دادگاه کیفری یک در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک بیان شده است اما در خصوص بند «ت» آن در مورد جرایمی که دارای دو مجازات غیر متجانس در درجات متفاوتی می باشد از جمله کلاهبرداری مشکلاتی بروز کرده که نگارندگان را برآن داشته تا تحقیق خود را در این زمینه گردآوری کنند. همچنین از مشکلات دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که در تعدد معنوی یعنی اگر شخصی مرتکب رفتار واحدی شود که دو عنوان مجرمانه بر آن حاکم است به عنوان مثال رفتار واحد و دو عنوان مجرمانه که یکی در صلاحیت دادگاه کیفری یک و دیگری در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد. کدام یک صلاحیت رسیدگی را داراست؟ که پاسخ به آن را در نتیجه گیری بیان کرده ام. چرا که موضوع ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک در خصوص تعدد مادی است. اگرچه تحقیقاتی در خصوص دادگاه کیفری ۱ ارائه شده ولی این موضوع از این حیث جای بحث و تحقیق را داراست و به همین خاطر نگارندگان تحقیق خود را در این راستا گردآوری کرده اند.

## ۲. سابقه تاریخی دادگاه کیفری یک

در نظام عدالت کیفری رسیدگی به هر جرمی در صلاحیت دادگاه خاص خود می باشد و اینگونه نیست که هر دادگاهی بتواند به هر جرمی رسیدگی کند. به همین دلیل در نظام عدالت کیفری ایران نیز انواع دادگاه های کیفری وجود دارد که بر اساس صلاحیت ذاتی خود به جرایم رسیدگی می کند. این دادگاه ها عبارتند از: دادگاه کیفری یک، کیفری دو، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه نظامی که در ماده ۲۴۹ ق.آ.د.ک آمده است. [۱] دادگاه کیفری یک که امروزه در ماده ۲۹۴ ق.آ.د.ک آمده است در قبل از انقلاب دادگاه جنایی و بعد از انقلاب دادگاه کیفری استان نام داشت. با توجه به اینکه قبل از انقلاب قانون مجازات ما از قانون فرانسه اقتباس شده بود و جرایم به جنحه، جنایت و خلاف تقسیم می شد به همین دلیل دادگاه ها هم به دادگاه های جنایی، جنحه و خلاف تفکیک می شدند. اما در حال حاضر دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی شهرستان و دادگاه بخش در حوزه قضایی بخش جایگزین دادگاه های خلاف و جنحه سابق شده است. [۲]

## ۳. خصوصیت دادگاه کیفری یک

دادگاه کیفری یک از مراجع عمومی نخستین است یعنی مراجعی که صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم را دارند مگر جرایمی که به طور استثنا در صلاحیت مرجع دیگری قرار گرفته است و منظور از رسیدگی نخستین این است که رسیدگی دادگاه مسبوق به رسیدگی دادگاه دیگر نبوده با توجه به ماده ۳۱۳ ق.آ.د.ک و تبصره یک و دو ماده ۳۱۴ همان قانون معلوم می شود که قانون گذار صلاحیت عمومی را به دادگاه های کیفری داده و بر حسب نوع و اهمیت جرم، آن را به دادگاه کیفری یک و دو تقسیم کرده است. در حالی که در قانون سابق دادگاه کیفری استان صلاحیت اختصاصی داشته و قانون گذار سابق صلاحیت آن را محدود و مصرح دانسته و دادگاه کیفری استان مجوز رسیدگی به جرایمی که در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی بود را نداشت که از همین موضوع برداشت می شود که دادگاه کیفری استان صلاحیت اختصاصی داشته است. اما امروزه دادگاه کیفری یک و دو صلاحیت ذاتی یکسانی را دارند در واقع دادگاه کیفری یک شعبه تخصصی دادگاه کیفری دو است. منظور از تخصصی بودن صلاحیت در واقع نوعی تقسیم کار داخلی میان دادگاه ها با صلاحیت ذاتی یکسان است؛ درون دادگاه کیفری یک شعبه دیگری وجود دارد به نام دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان به عبارت دیگر دادگاه کیفری یک ویژه

رسیدگی به جرایم نوجوانان شعبه تخصصی دادگاه کیفری یک است که نوع تقسیم کار داخلی میان دادگاه‌ها با صلاحیت ذاتی واحد است. [۳] بنابراین با عنایت به موارد بالا صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری دو، یک و دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان یکسان است. با توجه به ماده ۳۱۵ ق.آ.د.ک اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۴ «جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک و همچنین انقلاب در مواردی که با تعدد قاضی رسیدگی می‌شود اگر توسط افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام شمسی ارتکاب یابد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود بهره‌مند می‌گردد.» بدین ترتیب در صورتی که دختر بین ۹ تا ۱۸ سال و پسر بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام شمسی مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری ۱ یا دادگاه انقلاب با موارد تعدد قاضی شود به جرایم این افراد در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان رسیدگی می‌شود البته با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و مرجع «فرجام‌خواهی» از آرا و تصمیمات دادگاه مزبور، دیوان عالی کشور است. اما در صورتی که این جرایم را پسر و دختر نابالغ (پسر کمتر از ۱۵ سال و دختر کمتر از ۹ سال) مرتکب شود به لحاظ عدم مسئولیت کیفری آن‌ها و لزوم ملاحظت با آنان رسیدگی به آن جرایم به استناد ماده ۳۰۴ ق.آ.د.ک در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان می‌باشد. [۴]

#### ۴. محل تشکیل و تعداد قضاات دادگاه کیفری یک

محل تشکیل دادگاه کیفری یک، مرکز استان می‌باشد ولی به تشخیص رئیس قوه قضاییه در حوزه‌های قضایی شهرستان‌ها هم حسب نیاز تشکیل می‌شود. در شهرهایی که دادگاه کیفری یک در آنها تشکیل نشده است، رسیدگی به جرایم داخل در صلاحیت آن بر عهده نزدیکترین دادگاه کیفری یک در حوزه قضایی آن استان است. [۳] به همین دلیل است که تبصره یک ماده ۲۹۶ ق.آ.د.ک بیان می‌کند «دادگاه کیفری یک در مرکز استان و به تشخیص رئیس قوه قضاییه در حوزه قضایی شهرستان‌ها تشکیل می‌شود. در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، به جرایم موضوع صلاحیت آن در نزدیکترین دادگاه کیفری ۱ در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود» به همین دلیل می‌توان گفت که دادگاه کیفری ۱ صلاحیت استانی دارد و با توجه به صلاحیت استانی دادگستری استان باید گفت که دادگاه کیفری ۱ از لحاظ اداری تحت ریاست رئیس کل دادگستری استان است. [۵]

با توجه به نوع و اهمیت و مجازات‌های سنگین جرایمی که در دادگاه کیفری ۱ رسیدگی می‌شود، نظام تعدد قاضی حاکم است که استفاده از نظام تعدد قاضی هم موجب هم فکری قضاات در پرونده می‌شود و هم باعث می‌شود که احتمال خطا در پرونده کاهش پیدا کند، هم موجب افزایش تضمین بی‌طرفی قضاات در رسیدگی می‌شود و زمینه دادرسی عادلانه را فراهم می‌کند به همین خاطر تعداد قضاات در دادگاه کیفری یک باید سه نفر باشد (یک رئیس و دو مستشار). اما به لحاظ کمبود نیروی انسانی و عدم تعیین قاضی سوم و عدم حضور قاضی سوم در روز معین و معذوریت قانونی که ممکن است برای آن وجود داشته باشد تشکیل جلسه و رسیدگی با حضور دو عضو نیز رسمیت پیدا می‌کند (رئیس و مستشار و یا دو مستشار) در صورتی که قضاات دادگاه کیفری یک، ۳ نفر باشد هر سه نفر باید ذیل دادنامه را امضا نمایند و اگر یکی از آنها حضور نداشته باشد باید پرونده را مطالعه کند تا در اتخاذ تصمیم مشارکت داشته باشد و سپس ذیل دادنامه را امضا نماید.

#### ۵. موارد صلاحیت دادگاه کیفری یک

قبل از ورود به بحث باید منظور از صلاحیت دادگاه مشخص شود صلاحیت دادگاه از لحاظ اصطلاحی عبارت است از: «صلاحیت یک دادگاه نسبت به اموری که می‌تواند به آنها رسیدگی کند و در قلمرویی که می‌تواند اقدام به رسیدگی نماید.» [۶] به موجب ماده ۳۰۲ قانون آ.د.ک اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ دادگاه کیفری یک صلاحیت رسیدگی به جرایم پیش رو را دارد «الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات؛ ب- جرایم موجب مجازات حبس ابد؛ پ- جرایم موجب مجازات قطع عضو یا

جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیشتر از آن؛ ت- جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر؛ ث- جرایم سیاسی و مطبوعاتی.» در مورد بند الف رای وحدت رویه ای وجود دارد «تعیین کیفر در حدود مقررات ماده ۶۱۲ ق.م.ا با احراز عمدی بودن قتل به طریق مقتضی و سایر شرایط مذکور در این ماده ملازمه داشته و رسیدگی به آن نیز بر اساس تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، از خصایص دادگاه کیفری استان می باشد و رای صادر شده از دادگاه کیفری استان نیز ظرف مهلتی که برای تجدید نظر خواهی مقرر گردیده قابل رسیدگی در دیوان عالی کشور است. بنا به مراتب به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور، حکم محکومیت به حبس موضوع ماده ۶۱۲ ق.م.ا نیز قابل رسیدگی در دیوان عالی کشور بوده و رای شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص می گردد»

نکته مهمی که در این خصوص باید بیان شود این است که در دادگاه کیفری یک یا سایر دادگاه ها هرگاه، «میزان مجازات» ملاک تعیین صلاحیت دادگاه قرار بگیرد منظور از میزان مجازات، مجازات مقرر در قانون است به طور نوعی قطع نظر از شرایط و احوال خاص هر پرونده. به عنوان مثال در جرم قتل عمد اگر متهم به دلیل گذشت اولیای دم در دادسرا یا سایر جهات دیگر قابل قصاص نباشد از آنجا که مجازات قانونی قتل عمد قصاص است (صرف نظر از گذشت اولیای دم یا سایر جهات مزبور) و قصاص نیز یکی از مجازات های سالب آزادی است که در بند الف ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک آمده است «سابقاً نیز هنگامی که در نخستین سالهای پس از انقلاب دادگاه اطفال برچیده شد و دادگاه کیفری یک و دو تشکیل شد. رای وحدت رویه شماره ۶ مورخ ۱۳۶۴/۲/۲۳ در مورد صلاحیت رسیدگی به اتهام قتل عمدی ارتكابی توسط فرد نابالغ، که می دانیم قصاص نمی شود بیان می کند: «...ملاک صلاحیت هر یک از دادگاه های مرقوم، کیفر قانونی پیش بینی شده برای جرم ارتكابی، قطع نظر از خصوصیت و وضعیت متهمین می باشد... لذا در موردی که جرایم ارتكابی اطفال (کسی که به حد بلوغ شرعی نرسیده) از جمله جرایم موضوع ماده ۱۹۸ قانون اصلاح موادی از قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره یک آن باشد رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، در غیر این صورت دادگاه کیفری ۲ صالح به رسیدگی [۳] خواهد بود ...»

## ۱.۵. جرایم موجب مجازات سلب حیات

در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک همانطور که گفته شد یکی از موارد صلاحیت دادگاه کیفری یک جرایم موجب مجازات سلب حیات است. سلب حیات به عنوان مجازات قانونی (که در موارد مذکور در خصوص مجازات قانونی نکاتی بیان شد) عمل متهم است اعم از آنکه عمل متهم موجب قصاص نفس شود یا اعدام یا اینکه هدف اولیه مجازات سلب حیات باشد یا نوعاً منجر به سلب حیات گردد مانند رجم. در این خصوص به رای وحدت رویه شماره ۶۹۸ مورخ ۱۳۸۶/۱/۲۱ بیان می کند رسیدگی به جرم قتل عمدی فرزند توسط پدر در صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری استان می باشد و عدم قصاص به فرض اثبات نافی صلاحیت این دادگاه نیست. همچنین در خصوص سقط جنین که امروزه یکی از موارد شایع در جوامع ما می باشد باید گفت که «رسیدگی به جرم سقط جنینی که روح در آن دمیده شده به دلیل پیش بینی مجازات قصاص در قانون در صلاحیت دادگاه کیفری استان است (همان دادگاه کیفری یک) در این خصوص آرای قضایی شعبه دیوان عالی کشور وجود دارد از جمله این که در نزاع دسته جمعی منتهی به قتل عمدی دادگاه کیفری استان (دادگاه کیفری یک) صلاحیت رسیدگی به اتهام کلیه متهمان را دارد.» [۷]

## ۲.۵. جرایم موجب مجازات حبس ابد

منظور از آن جرایمی می باشد که مجازات قانونی آنها حبس ابد می باشد که در واقع مجازات جرم تعزیری درجه یک است بنابراین اگر جرمی در قانون چنین مجازاتی را داشته باشد رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری یک می باشد.

### ۳،۵. جرایم موجب مجازات قطع عضو یا جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان نصف دیه کامل یا بیش از آن

در اثر اصلاحی ۱۳۹۴/۳/۲۴ میزان دیه از ثلث دیه کامل به نصف دیه کامل افزایش یافت. در بند پ ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک باید گفت که قطع عضو غیر از قصاص عضو بوده و تنها مجازات دو جرم سرقت حدی و محاربه است. اما در خصوص محاربه باید گفت که این جرم به استناد بند الف ماده ۳۰۳ ق.آ.د.ک در صلاحیت دادگاه انقلاب است حال باید گفت که این تعارض چگونه قابل حل است در این خصوص نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه بیان می کند « صلاحیت دادگاه کیفری یک، مجازات محور است و صلاحیت دادگاه انقلاب جرم محور می باشد از این رو جرایمی که در صلاحیت دادگاه انقلاب است ولو این که مجازات آنها از موارد مذکور در ماده ۳۰۲ باشد در صلاحیت دادگاه انقلاب است.» (نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه ۱۳۹۳/۲۴/۹-۷/۲۳۰۵/۹۳) همان طور که دیدیم این تعارض به نفع دادگاه انقلاب رفع شد.

همین طور در ادامه بند پ ماده ۳۰۲ می دانیم مجازات جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، قصاص است. اگرچه قانونگذار قصاص را در بند الف ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک آورده است که خود مبین کننده ی این موضوع است که مقصود قانونگذار از قسمت اخیر بند پ ماده ۳۰۲ قصاص عضو می باشد البته به این شرط که عضو مورد قصاص، دیه ای معادل نصف دیه کامل مجنی علیه یا بیشتر داشته باشد اعم از اینکه شاکی مطالبه قصاص نموده باشد یا خیر و اعم از اینکه قصاص ممکن باشد یا نباشد. که منظور از آن مجازات قانونی است که قبلاً در مورد آن توضیحاتی ذکر شد. همچنین رسیدگی به جرم اسیدپاشی حسب مورد در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دو است دلیل این که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است به استناد بند ب ماده ۳۰۲ جنایت عمدی علیه تمامیت جسمانی است.

### ۴،۵. جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر

قبل از اصلاحیه ۱۳۹۴/۳/۲۴ مجازات تعزیری درجه ۴ به بالا بود که در این اصلاحیه به درجه ۳ و بالاتر تغییر کرد. با توجه به بند ت ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک که بیان می کند « جرایم موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر » حال در خصوص جرم کلاهبرداری که طبق ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مجازات آن یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است. سوال این است اگر مجازات حبس را ملاک قرار دهیم جرم کلاهبرداری درجه ۴ محسوب می شود و در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ است و اگر جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده بیش از ۳۶ میلیون تومان باشد چون از درجه سه بالاتر محسوب می شود در صلاحیت دادگاه کیفری یک است و از طرفی طبق ماده ۹۲ ق.آ.د.ک تحقیقات مقدماتی جرایم موضوع ماده ۳۰۲ بر عهده بازپرس است به صورت مطلق که خود ایجاد مشکل کرده است که نگارندگان را بر آن داشته تا تحقیق حاضر را در این زمینه گردآوری کنند. برخی از جرایم تعزیری دارای دو مجازات هستند که به دلیل تفاوت در نوع آنها هر یک در درجه خاصی قرار می گیرند از جمله یکی از این جرایم کلاهبرداری است که طبق ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجازات آنها از یک تا هفت سال حبس (درجه ۴) و جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده که این جزای نقدی نسبی است و پس از انجام تحقیقات مقدماتی در دادسرا مشخص می شود که متهم چه مقدار مال اخذ کرده و در نتیجه متناسب با آن میزان جزای نقدی و درجه آن مشخص می شود. حال اگر بعد از انجام تحقیقات مقدماتی معلوم شود که میزان مال اخذ شده بیش از ۳۶ میلیون بوده به طبع آن

میزان جزای نقدی نیز بیش از ۳۶ میلیون خواهد بود و درجه ۳ به بالا است. حال اگر پس موافقت دادستان با قرار جلب دادرسی وی با صدور کیفرخواست در واقع تقاضای محکومیت متهم به مجازات حبس تعزیری درجه ۴ و جزای نقدی درجه ۳ یا بالاتر را نماید اگر دادستان مجازات حبس را ملاک قرار دهد باید پرونده را به همراه کیفرخواست به دادگاه کیفری دو ارسال کند و اگر جزای نقدی را ملاک قرار دهد باید آن را به دادگاه کیفری یک ارسال کند. برای رفع ابهام در چنین فرضی تبصره ۳ ماده ۱۹ ق.م.ا بیان می کند «در صورت تعدد مجازات ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. بنابراین در هنگام تقدیم شکایت شاکی مبنی بر کلاهبرداری دادسرا صرفاً با یک ادعا مواجه است که درستی آن در نتیجه تحقیقات مقدماتی معلوم می شود و در نتیجه میزان مال مورد کلاهبرداری، جزای نقدی و درجه آن مشخص نیست در این مورد دادستان مجازات حبس را ملاک قرار داده و به استناد ماده ۹۲ تحقیقات مقدماتی را به بازپرس و در صورت کمبود بازپرس به دادیار ارجاع می دهد تا پس از انجام تحقیقات مقدماتی میزان مال کلاهبرداری شده و درجه جزای نقدی مشخص شود و در یکی از طبقات هشت گانه ماده ۱۹ قرار بگیرد و مقایسه بین آنها و حبس به عمل آید تا مشخص شود کدام یک شدیدتر بوده و ملاک درجه جرم کلاهبرداری و صلاحیت دادگاه قرار بگیرد. اما چه موافق باشیم چه نباشیم قانونگذار برخی از مجازات های جزای نقدی را در درجه بالاتری نسبت به حبس قرار داده است. به عنوان مثال جزای نقدی با مبلغ ۳۶ میلیون تومان (درجه ۳) شدیدتر از ده سال حبس است (درجه ۴). بنابراین باید سابقه قانونگذاری را فراموش کرد و به وضعیت حال توجه کرد.

اگرچه ممکن است در برخی از مواد، جرم کلاهبرداری درجه سه تلقی شود و در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ قرار بگیرد و فرجام خواهی از آن در دیوان عالی کشور باشد. اما دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه نظری را اعلام می دارد که با منطق حقوق سازگار نمی باشد و به واقع به نظر می رسد در فهم تبصره ۳ ماده ۱۹ دچار مشکل شده اند. با این وجود شاید نظر ایشان برای پرهیز از ارسال پرونده به دادگاه کیفری یک و به تبع آن کثرت پرونده های فرجام خواهی در دیوان عالی کشور بود. اما این رای وحدت رویه بیان می کند «مطابق ماده ۱۹ ق.م.ا قانونگذار هر یک از مجازات ها را در درجه خاصی قرار داده که قرار دادن هر مجازات در مرتبه‌ی معین در عین حال مبین شدت و ضعف آن کیفر نیز می باشد، لکن در هر یک از این درجات نیز کیفری های غیر متجانس وجود دارد که به لحاظ عدم امکان سنجش آنها با یکدیگر تشخیص کیفر اشد در بین آنها بعضاً با اشکال مواجه می گردد. به منظور رفع اشکال تبصره ۳ ماده ۱۹ قانون یاد شده در مقام بیان قاعده مقرر می دارد در صورت تعدد مجازات ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان مجازات شدیدتر مجازات حبس ملاک است... علاوه بر این، در قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین جزایی از جزای نقدی به عنوان «بدل مناسب‌تر» مجازات حبس (در مقام تخفیف و تبدیل آن مجازات) و کیفر جایگزین مجازات حبس که علی القاعده ماهیت خفیف تر و ملایم تری از حبس دارد استفاده شده است و سابقه قانونگذاری در کشور ما نیز حکایت از صحت چنین استنباطی دارد. بنا بر مراتب مذکور به نظر اکثریت اعضای هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مواردی که مجازات بزه، حبس توأم با جزای نقدی تعیین گردیده، کیفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و در نتیجه صلاحیت دادگاه است.» (رای وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹) که طبق نظر دیوان عالی کشور به جرم کلاهبرداری در دادگاه کیفری ۲ رسیدگی می شود با هر مبلغ مورد کلاهبرداری شده. این درحالی است که اداره حقوقی در نظریه مشورتی ۱۳۹۴/۱/۳۰-۷/۹۴/۲۱۶ بیان می کند در جرائمی نظیر کلاهبرداری که دارای مجازات های متعددی می باشد، با توجه به ماده ۱۹ ق.م.ا و تبصره های ۲ و ۳ آن، هر مجازات باید مستقل از مجازات های دیگر بر اساس تطبیق آنها با درجات هشت گانه ماده مذکور، درجه بندی شوند و با توجه به اینکه درجه بندی مجازات ها متفاوت از درجه بندی جرم

است، بنابراین ممکن است هر یک از مجازات‌ها در درجات مختلف قرار گیرد و به همین جهت است که در مقام اعمال تخفیف، هر مجازات بر اساس درجه‌ای که در آن قرار گرفته تخفیف می‌یابد.

## ۵.۵. جرایم سیاسی و مطبوعاتی

در این بند، مقنن، دو نوع جرم را ذکر کرده است که به شرح آن می‌پردازیم.

### ۱.۵.۵. جرم سیاسی

به موجب اصل ۱۶۸ ق.ا از سال‌ها پیش تعریف جرم سیاسی بر عهده مجلس بوده تا اینکه قانون‌گذار در تاریخ ۱۳۹۵/۲/۲۰ جرم سیاسی را به تصویب رساند. بر اساس ماده ۱ قانون جرم سیاسی، جرم سیاسی جرمی است که این سه ویژگی را داشته باشد اولاً و منحصرأً، یکی از جرایم مذکور در ماده ۲ این قانون باشد، ثانیاً، انگیزه ارتکاب آن اصلاح امور کشور باشد، ثالثاً، قصد ضربه زدن به اصل نظام را نداشته باشد. ماده ۲ این قانون این جرایم را به طور حصری نامبرده است. «الف- توهین یا افترا به روسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسئولیت آنان ب- توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده ۵۱۷ ق.م.ا؛ پ- جرایم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده ۱۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده؛ ت- جرایم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات؛ ث- نشر اکاذیب» با توجه به موارد ذکر شده بالا این توهین و افترا باید علیه مدیریت و سازمان و نهادهای سیاسی داخلی و خارجی کشور باشد اما آنچه که جالب است اینکه اگرچه توهین یا افترا به نماینده مجلس جرم سیاسی تلقی شده ولی توهین و افترا به رهبری با اینکه نقش وی در سیاست کشور خیلی بیشتر از یک نماینده مجلس است سیاسی تلقی نمی‌شود که خود جای تعجب است. [۳]

### ۲.۵.۵. جرایم مطبوعاتی

جرایم مطبوعاتی جرایمی هستند که به وسیله درج خبر، مقاله یا گزارش در مطبوعات صورت می‌گیرد. مطبوعات ممکن است نشریه‌های کاغذی باشند یا نشریه‌های الکترونیکی یا خبرگزاری‌های داخلی. (پیشین: ۵۷) ماده یک قانون مطبوعات در این خصوص بیان می‌کند «مطبوعات در این قانون عبارتند از: نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون هنری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شود.» اما آخرین نکته‌ای که باید در این بند گفت این است که انطباق اتهام با هر یک از بندهای ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک موجد صلاحیت برای دادگاه کیفری یک بوده و یکی بر دیگری تأثیر ندارد از این رو دادگاه کیفری یک می‌تواند به اعتبار سیاسی یا مطبوعاتی بودن آنها، به جرایم تعزیری درجه ۴ تا ۸ رسیدگی کند. [۵] «دادگاه کیفری استان فقط به جرایم مطبوعاتی مدیر مسئول رسیدگی می‌کند لذا رسیدگی به اتهام مطبوعاتی سرپرست ویژه نامه در صلاحیت دادگاه عمومی جزایی است.» [۷]

## ۶. بررسی صلاحیت دادگاه کیفری یک غیر موارد مذکور در ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک

غیر از موارد مذکور در ماده ۳۰۲ به موجب قانون خاص دیگر از جمله قانون تامین مالی تروریسم رسیدگی به جرایم موضوع این قانون هم در صلاحیت دادگاه کیفری یک قرار دارد. جرم تامین مالی تروریسم عبارت است از کمک مالی به افراد



تروریسم یا سازمان‌های تروریسمی. مرتکب جرم تامین مالی تروریسم در صورتی که عمل او در حکم محاربه و افساد فی الارض باشد به مجازات آنها حسب مورد محکوم می‌شود که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار دارد اما در غیر از این موارد علاوه بر مصادره وجوه و اموال به نفع دولت به ۲ تا ۵ سال حبس و جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر منابع مالی تامین شده محکوم می‌شود که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه کیفری دو می باشد اما ماده ۹ قانون تامین مالی تروریسم به طور خاص و استثنایی بر صلاحیت دادگاه انقلاب و کیفری ۲ بیان می کند «رسیدگی به جرم این قانون در صلاحیت دادگاه کیفری یک مرکز استان می باشد» اگرچه دادگاه کیفری یک به تشخیص رئیس قوه قضائیه در حوزه قضایی شهرستان هم تشکیل می شود اما با تایید ماده ۹ قانون تامین مالی تروریسم به این جرم فقط در دادگاه کیفری یک مرکز استان رسیدگی می‌شود.

## ۷. موارد مرتبط با دادگاه کیفری یک

دادگاه کیفری یک تابع کیفرخواست است و فقط در صورت وجود کیفرخواست و در حدود آن اقدام به رسیدگی می کند مگر جرایمی که به طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مطرح می شود که در این صورت انجام تحقیقات مقدماتی نیز بر عهده خود دادگاه می باشد. [۴] چنانچه جرمی به اعتبار یکی از بندهای ماده ۳۰۲ ق.آ.د.ک در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ قرار گرفت اما دادگاه پس از انجام تحقیقات متوجه شد که جرم در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ بوده است با این وجود باز هم دادگاه کیفری یک به آن جرم رسیدگی می کند و دلیل آن هم این است که صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری یک و دو یکی می باشد. اما عکس آن صادق نیست یعنی اگر جرمی در دادگاه کیفری دو مطرح شود ولی دادگاه پس از انجام تحقیقات متوجه شود که آن جرم در صلاحیت دادگاه کیفری یک است دادگاه کیفری ۲ نمی تواند به آن جرم رسیدگی کند و باید پرونده را به دادگاه کیفری یک ارسال کند به دلیل اینکه رسیدگی در دادگاه کیفری یک دارای تشریفات خاصی است از جمله تعدد قاضی و ... که تبصره ۲ ماده ۳۱۴ ق.آ.د.ک مبین این مطلب است.

نکته آخر اینکه دادرسی صالح برای انجام تحقیقات مقدماتی و شرکت در جلسه و دفاع از کیفرخواست، دادرسی محل وقوع جرم می باشد. [۴] که در این خصوص ماده ۴۰۱ بیان می کند «در مواردی که به جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک در خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم رسیدگی می شود، تمام وظایف و اختیارات دادرسی، از جمله شرکت در جلسه محاکمه و دفاع از کیفرخواست بر عهده دادرسی محل وقوع جرم است.»

## ۸. نتیجه گیری

همان طور که بیان شد یکی از انواع دادگاه های کیفری، دادگاه کیفری یک می باشد که شعبه تخصصی دادگاه کیفری دو است که به دلیل رسیدگی به جرایمی که دارای مجازات سنگین می باشد از ویژگی خاصی برخوردار است. ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک بیان می کند «...اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه های قضایی مختلف گردد، رسیدگی در دادگاهی صورت می گیرد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده باشد...» با توجه به نص ماده ۳۱۰ اینگونه برداشت می شود که مقصود قانونگذار این است که اگر شخصی مرتکب تعدد مادی شود و هر یک در حوزه قضایی مختلف صورت بگیرد دادگاه صلاحیت دار دادگاهی است که جرم مهمتر در حوزه آن واقع شده است. اما سوال اینجاست اگر شخصی مرتکب تعدد معنوی شود یعنی فعل واحد عنوان مجرمانه متعدد که صلاحیت ذاتی آنها هم با یکدیگر متفاوت باشد به عنوان مثال شخصی مرتکب رفتار واحدی شود که دو عنوان مجرمانه بر آن حاکم باشد که یکی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ باشد و دیگری در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد در این خصوص چه باید کرد؟ برخی از حقوقدانان از جمله دکتر امین گلریز در کتاب شرح کامل قانون مجازات اسلامی در نظم عدالت کیفری بیان می کند که چون در این مورد موضوع قابل تفکیک نمی باشد و فقط یک مجازات باید اجرا شود در این صورت دادگاهی به هر دو جرم رسیدگی می کند که صلاحیت رسیدگی به جرم اشد را دارد. به عبارت دیگر پرونده ها تفکیک نمی شود بلکه به هر دو جرم در یک دادگاه رسیدگی می شود.



### نتابع و مراجع

۱. عظیم‌زاده، ش. (۱۳۹۵)، "کمک حافظه آیین دادرسی کیفری"، جلد دوم، تهران، دوراندیشان، ۲۷.
۲. زراعت، ع. (۱۳۹۴)، "آیین دادرسی کیفری"، جلد سوم، تهران، میزان، ۴۶.
۳. خالقی، ع. (۱۳۹۴)، "آیین دادرسی کیفری"، جلد دوم، تهران، شهر دانش، ۵۰-۵۷.
۴. ناجی زواره، م. (۱۳۹۴)، "آشنایی با آیین دادرسی کیفری (تشکیلات و صلاحیت دادگاه ها، رسیدگی، صدور رأی و اعتراض نسبت به آن)"، جلد دوم، تهران، خرسندی، ۱۶-۱۷.
۵. خالقی، ع. (۱۳۹۶)، "نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری"، تهران، شهر دانش، ۳۷۱.
۶. جعفری لنگرودی، م. ج. (۱۳۹۲)، "ترمینولوژی حقوق"، تهران، گنج دانش، ۴۰۷.
۷. رحیمی، م و رحیمی دهسوری، ر. (۱۳۹۶)، "گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری"، تهران، جنگل، ۳۰۳-۳۰۵.